

کربلا در ادبیات و نگارش‌های عربی، پارسی و ترکی^(۱)

رضا قورتولوش^(۲) و مصطفی اوزون^(۳)
ترجمه عبدالله دودانگه^(۴)

چکیده

شهادت امام حسین (ع) در کربلا، بر ادبیات همه‌ی ملت‌های مسلمان تأثیر گذاشته است؛ در ادبیات آئینی و اشعار عاشورایی بر تأثر و حزن ملانئک و اجنه تأکید شده است. این مقاله در سه بخش شامل: «کربلا در ادبیات و نگارش‌های عربی»، «کربلا در ادبیات و نگارش‌های پارسی» و «کربلا در ادبیات و نگارش‌های ترکی» می‌باشد. در بخش اول، مرثی‌های عربی در دوره اموی و عباسی به طور جداگانه بررسی شده است و معروف‌ترین شاعران و اشعار آنان معرفی شده‌اند؛ در بخش دوم، با اشاره به اینکه اولین مرثیه‌ی کربلا در قرن ششم هجری مربوط به قوامی رازی می‌باشد، شاعران و شعرهای عاشورایی از قرن ششم تا قرن سیزدهم هجری را مورد واکاوی قرار داده است و در بخش پایانی مقاله نیز، نویسنده عموماً در رابطه با واقعه‌ی کربلا در ادبیات ترک، خصوصاً به ادبیات عاشورایی طریقت‌هایی صوفی همچون علویه - بکتاشیه، پرداخته و آثار مستقل منثور و منظوم ترکی، بخصوص به معرفی مرثیه‌های مرتبط با موضوع کربلا پرداخته است.

کلید واژه‌ها: کربلا، امام حسین (ع)، ادبیات، مرثیه، ادبیات، شعر عاشورایی فارسی، شعر عاشورایی ترکی، شعر عاشورایی عربی، ادبیات آئینی.

1. Kurtuluş, Rıza; Uzun, Mustafa, "KERBELÂ", DİA, c. 25, Ankara, 2002, 272-275.
2. Rıza Kurtuluş.
3. Mustafa Uzun.

۴. دانشجوی دکتری تاریخ در دانشگاه معمار سنان - استانبول، abdollahdodangeh@gmail.com



الف) کربلا در ادبیات و نگارش‌های عربی^(۱)

شهادت حضرت [امام] حسین [ع] در کربلا بدست امویان، تأثیر زیادی در ادبیات همه‌ی ملت‌های مسلمان داشته است. در این زمینه آثار زیادی بصورت نظم و نثر نگاشته شده است. اشعار سروده شده در خصوص واقعه‌ی کربلا و حوادث بعد از آن، در ادبیات عرب جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. سخنان [امام] جعفر صادق [ع] که از امامان اهل بیت [ع] می‌باشد در باره‌ی شعرایی که روی موضوع کربلا متمرکز بوده‌اند، مشوق و قوت قلب مهمی بوده است.

در اشعاری که در رابطه با واقعه‌ی کربلا سروده شده است، بر تأثر و حزن ملاتک و اجنه از موضوع شهادت حضرت حسین [ع] تأکید شده است، همچنین بر فضایل اهل بیت [ع] نیز تأکید شده است. در این اشعار واقعه کربلا با تمامی جزئیاتش و به صورت صحنه‌های دراماتیک منعکس شده است. در اشعار مربوط به کربلا، سعی در ایجاد نوعی ارتباط شده است بین واژه "کرب" به معنی (غم و اندوه) و واژه "بلا" که معطوف به واقعه می‌باشد. همچنین خاک کربلا در این اشعار به لحاظ در برداشتن پیکر شهدا، بعنوان خاکی محبوب بیان است. موضوع سروده‌ها نیز متشکل از یک ترکیب عشق و غم و اندوه است.

شعرا در وصف کربلا، از آن هم بعنوان محل بلا و هم محلی مقدس برای نمایش بزرگترین قهرمانی‌ها، یاد نموده و در اشعارشان برای این تربت دعای (آرزوی) باران و برکت نموده‌اند. اولین شعر در رابطه با واقعه کربلا در ادبیات عرب، غزلی متعلق به ابوالأسود دوئلی (د. ۶۸۸/۶۹ م) می‌باشد. اثر دیگر مربوط به سفیان بن مصعب (د. ۷۳۸/۱۲۰ م) است که وی در اشعارش به موضوع اهل بیت [ع] اشاره کرده است.

قصیده‌هایی که در آنها به بنی هاشم (اهل بیت) اشاره گردیده و به همین سبب بنام الهاشمیات نیز مشهور است از کُمیت اسدی (د. ۷۴۴/۱۲۶ م) می‌باشد. وی با [امام] محمد باقر [ع] نیز ملاقات داشته و مورد مدح ایشان [امام] نیز قرار گرفته است. در این قصیده‌ها به موضوع کربلا نیز اشاره رفته است. امام شافعی نیز در یکی از اشعارش تأثر و اندوه خود را نسبت به شهادت حضرت حسین [ع] چنین بیان می‌کند:

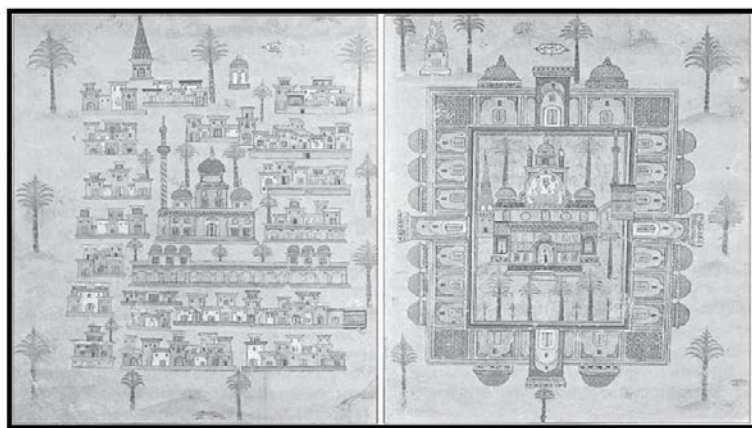
گر با عشق اهل بیت مجرم بشوم این گناهیست کز آن پشیمان نشوم

دَعْبِلْ حُرَاعِي نِيْز اَز جَمَلِه شَعْرَائِي اَسْت كِه دَر اَشْعَارِش بَر شَهَادَتِ حُسَيْنِ [ع] تَاكِيْد

۱. بخش «کربلا در ادبیات عربی و فارسی»، از رضا فور تولوش است.

نموده است. شعرای عرب که در دوره‌ی اولیه به موضوع کربلا اشاره کرده‌اند از طرف حاکمان وقت مورد برخورد و انتقاد قرار گرفته و برخی از آنان مجازات نیز شده‌اند. کمیت اسدی بخاطر داشتن اثر هاشمیات، هاشم بن مالک، کمر به قتل وی بسته بود، اما وی قبل از اجرای حکم موفق به فرار شد. هارون الرشید پس از شنیدن اشعار منصور نمری که در وصف سوگواری حضرت حسین [ع] سرود، بسیار خشمگین شده و دستور قتل شاعر را صادر کرد. دعبل خزاعی نیز این رعب و وحشت را در اشعار خود منعکس نموده است.

عبید الله حر جعفی، علیرغم عدم حمایت حضرت حسین [ع] در قضیه‌ی کربلا، بخاطر شهادت وی (امام حسین) در اشعار خود ابراز تأثر و تأسف کرده است. سلیمان بن قتة عدوی تیمی در اشعاری که سه سال پس از واقعه کربلا هنگام عبور از آنجا سروده است اشاره به بی‌وفایی قبایل غنی و قیس می‌نماید. فضل بن عباس بن عتبه، پس از شنیدن خبر شهادت حضرت حسین [ع] اندوهگین گشته و قاتلان وی را لعن و نفرین نموده است. فضل، ضمن تأکید فراوان به واقعه‌ی کربلا، به موضوعاتی که پس از واقعه که اهل بیت [ع] دچار آن شده‌اند، نیز اشاره کرده است. ابودهبیل وهب بن زمعه جمحی، از جمله شاعرانی است که دولت اموی را بخاطر تجملاتی بودن و همچنین تحت فشار قرار دادن اهل بیت [ع] به باد انتقاد بسته است. در اشعار دوران اموی که در آنها اشاره به حضرت حسین [ع] و شهدای کربلا دارد، علاوه بر غم و اندوه صادقانه‌ای که وجود دارد، نوعی حس انتقام جویانه نیز محسوس است. بدین جهت شعرای دوره‌ی اموی از نظر دولت به عنوان یک خطر تلقی شده‌اند.



تصویری از زیارتگاه امام حسین (ع) در میان زیارتگاه‌های کربلا و اطراف آن

Matrakçı Nasuh, *Beyân'ı Menâzil-i Sefer-i İrâkeyn*, İÜ Ktp., TY, nr. 5964, vr. 62^b-63^a



در دوران خلافت عباسی نیز در رابطه با حادثه‌ی کربلا اشعاری سروده شده است. شعرای این دوره که به رعایت حقوق اهل بیت [ع] از طرف دولت وقت امیدوار بودند، وقتی با واکنش عکس مواجه می‌شوند مأیوس شده و آنان (عباسیان) را به بی‌وفایی و پیروی از امویان و عدم انتقام‌جویی از دولت قبلی (اموی) محکوم کرده‌اند. منصور نمری، دعبل خزاعی، ابن معتز و قاضی تنوخی، از جمله شاعران این دوره هستند که این‌گونه احساسات خود را در اشعارشان منعکس نموده‌اند.

ب) کربلا در ادبیات و نگارش‌های پارسی

آثار منظوم، اولین آثار ادبی فارسی هستند که در آنها موضوع کربلا، کار شده است. در پی توسعه‌ی مذهب شیعه در ایران، واقعه‌ی کربلا نیز اهمیت ویژه‌ای به خود گرفته است به طوری‌که در مراسم عزاداری اشعار زیادی در قالب مرثیه سروده شده است. ادبیات کربلا به عنوان مرثیه‌ی دینی، شکل ویژه‌ای به خود گرفته است که در آن به شهدای کربلا که در رأس آنها حضرت حسین [ع] قرار دارد، متمرکز شده است. شهدای (کربلا) مورد تکریم و تجلیل قرار گرفته و قاتلان نیز به شدت مورد انزجار واقع شده‌اند. اولین نمونه‌های اینگونه اشعار در قرن ششم هجری در قصیده‌های نغز جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی دیده می‌شود. در همان عصر، سنایی [غزنوی] در دیوانش از حضرت حسین [ع] به عنوان "سالار شهیدان" یاد نموده و همچنین در کتاب حدیقه الحقیقه، رفتار و عملکرد وی (امام حسین علیه السلام) در کربلا را به عنوان نمونه‌ای از شجاعت و فداکاری، نشان داده است.

آیین‌های عزاداری شهدای کربلا در ایام عاشورا که در دوران آل بویه به طور رسمی آغاز گردیده، سبب افزایش فعالیت‌های ادبی مربوط به کربلا نیز شده است. اولین مرثیه‌ی کربلا در قرن ششم هجری مربوط به قوامی رازی می‌باشد. سعدی شیرازی شاعر قرن هفتم هجری نیز در قصیده‌های خود شهدای کربلا را ستایش کرده است. فریدالدین عطار که در عین حال با سعدی معاصر می‌باشد^(۱)، نیز بخشی از دیوانش را به موضوع کربلا اختصاص داده است. اثر خواجوی کرمانی قرن هشتم هجری که اشاره به شهادت حضرت حسین [ع] دارد، نیز دارای اهمیت فراوانی

۱. اشاره نویسنده مقاله به «معاصرت» عطار نیشابوری (ف. ۶۱۷ق) با سعدی شیرازی (ف. ۶۹۱ق)، اندکی محل تأمل است، چه، سعدی شیرازی در زمان کشته شدن عطار در نیشابور بدست مغولان (۶۱۷ق)، نهایتاً نه یا ده ساله بوده است و معاصر بودن آن معنی ندارد و از طرف دیگر، در مصادر ادبی، عطار نیشابوری در ضمن شعرای قرن ششم و سعدی از شعرای قرن هفتم هجری دانسته شده است (مترجم).

است. در همین اعصار برخی از شعرای اهل تسنن نیز در رابطه با کربلا اشعاری سروده‌اند. بعنوان مثال در دیوان سیف‌الدین محمد فرغانی، قصیده‌ای است که در آن مردم را به گریه و سوگواری دعوت می‌کند.

در قرن دهم هجری با تأسیس دولت صفوی، که خود دولتی شیعی بود، دولتمردان این خاندان با تشویق شعرای آن دوره در سرودن اشعار مربوط به کربلا، ضمن گسترش این گونه فعالیت‌ها، موجب بوجود آمدن آثار ادبی ماندگار نیز شده‌اند. از نمونه این آثار می‌توان به کتاب روضة الشهداء، تألیف حسین واعظ کاشفی اشاره کرد. قرن‌هاست که این اثر، در مجالسی که جهت بزرگداشت مقام شهدای کربلا برگزار می‌شود، تحت عنوان «روضه» [و روضه‌خوانی] مورد استفاده قرار می‌گیرد. مردم با شرکت در این مجالس، تأثر و همدلی خود را نسبت به شهدای واقعه کربلا، ابراز می‌داشته‌اند.

امام هروی، فخرالدین عراقی، سلمان ساوجی، سعدی هروی و حسن کاشی، از جمله شعرای این دوره هستند که در سروده‌های مربوط به پیامبر (ص) و اهل بیت [ع] خود بر واقعه‌ی کربلا نیز تأکید داشته‌اند. نظامی استرآبادی، اهلی شیرازی و لسانی شیرازی جزو شاعرانی می‌باشند که با اشعار خود در رابطه با اهل بیت [ع] و وقایع کربلا شهرت یافته‌اند. شعرای بعدی مثل حیرتی، تونی و محتشم کاشانی، شاعرانی هستند که در مناقب مربوط به اهل بیت [ع] صاحب اشعار نمونه‌ای بوده‌اند. رسم تعزیه خوانی در آیین‌های ماه محرم از نیمه‌ی دوم قرن یازدهم هجری آغاز گردیده است.

در [نیمه دوم] قرن سیزدهم هجری با عنایت به حمایت ناصرالدین شاه موضوع کربلا و گسترش آیین تعزیه خوانی در نزد عموم مردم به عنوان یک تشریفات مهم مذهبی در آمده است. زاویه‌ها و حسینیه‌ها نیز محصول همین دوره می‌باشد. در این دوره علاوه بر ماه محرم، بلکه در تمامی ماه‌های سال آیین تعزیه خوانی رواج داشته است (رک. تعزیه). همزمان با افزایش مجالس روضه‌خوانی در دوره‌ی قاجاریه، مرثیه‌نگاری نیز گسترش یافته که در این امر، ناصرالدین شاه نقش سترگی داشته است. به نمایش گذاشتن صحنه‌های کربلا که در دوره‌ی صفویه نامناسب تلقی می‌شده است، در این دوره رایج بوده است. دولتمردان این دوره، از جمله پیشگامان آن بوده‌اند. به طوری که هر ساله در بخش جنوبی کاخ گلستان، در محل «تکیه دولت» واقعه‌ی کربلا، به نمایش گذاشته شده است. شاعران این دوره، به سرودن مثنوی، ترجیع‌بند، مستزاد، قطعه و رباعی پرداخته‌اند. روضه‌الاسرار، سروش اصفهانی، زبده‌الاسرار یغمای جندقی، مهمترین آثار مثنوی این دوره به شمار می‌روند. علاوه بر اینها آثاری چون عین البكاء محمدتقی بن احمد بروجردی،



روضه الحسينيه محمدحسين بن محمدعلي کرمانی، نیز به فتحعلي شاه تقديم شده‌اند. داستان غم مولانا محمد سبقت الله بن محمد قوس و حمله حسيني غلامعلي موسوی جهانگیرنگاری، نیز جزو آثار مهم این دوره می‌باشند (علاوه بر اینها رک. حسین [ع]، ادبیات)^(۱).

منابع

Browne. *LHP*, III, 1 71-1 8 1, 182, 186; Storey. *Persian Literature*, 1/1, s. 207-235; Safā, *Edebiyyat*, III/1, s. 336-337; Cemşid Melikpûr. *Edebiyyat-ı Nümayişî der İran*, Tahran 1363 hş., I, 21 3-216; Nasrullah imami. *Mersiyeserây der Edebiyyat-ı Fârsî*, Ahvaz, 1369 hş., s. 57-63; Hüseyin-i Rezmecû, *Enva'-ı Edebi ve Aşâr-ı An der Zeban-ı Farsi*, Meşhed 1372 hş., s. 105-106; P. Chelkowski. "Popular Entertainment Media and Social Change in Twentieth Century Iran", *CHIr.*, VII, 765-81 4; Banu Nusret Tecrübekâr. *İran Edebiyatında Şiir: Kaçarlar Devri* (tre. Mehmet Kanar). İstanbul 1995, tür. yer.; L. Clarke. "Elegy (Marthiya) on Husayn: Arabic and Persian", *al-Serat*, XII, London 1986, s. 13-28; A. Schimmel, "Karbala and the Imam Husayn in Persian and Indo- Muslim Literature", *a. e.*, XII (1986). s. 39-42; G. Kanazi. "Kerbela' fi'l edebiş-Şi'a", *el-Kermil*, sy. 13, Hayfa 1992, s.179-194.

ج) کربلا در ادبیات و نگارش‌های ترکی^(۲)

با عنایت به آثار نظم و نثر و در رأس آنها مرثیه‌ها، که در آنها شهادت حضرت حسین [ع] توصیف شده است، نام "کربلا" در ادبیات و نگارش‌های ترکی به صورت یک نگاره جایگاه خاصی یافته است. کربلا در تخیل و تصور ترک، علاوه بر اینکه نام محل شهادت حضرت حسین [ع]، اعضای خانواده و یاران ایشان می‌باشد، همچنین از سوی شاعران و ادیبان زیادی این واقعه به صورت یک نماد جانگداز و با عناوینی چون "واقعه دلسوز کربلا، خبر کربلا" بعنوان نام حادثه‌ای دردناک مورد استفاده قرار گرفته است.

کربلا در ابتدا بعنوان مشهدی که محل دفن پیکر بی‌سر [مبارک] حضرت حسین [ع] بوده است. بعدها در آن صحنی ساخته شده و در نهایت با آبرسانی به آن محل به واحه‌ای زیبا در میان صحرا مبدل شده است. این مکان در طول تاریخ عثمانی محل توقف حجاج، با تجدید عشق آل عبا [ع]

1. Hüsein, Literatür.

۲. نویسنده این بخش از مقاله، مصطفی اوزون است.

بوده است. در ضمن این موضوع تأثیر قابل توجهی بر تصوف ترک داشته است. صرف نظر از تفاوت‌های مذهبی، کربلا به تدریج به شکل محلی مقدس درآمده و شکل فرهنگی زیارتی به خود گرفته است. در نهایت با تألیف آثاری مانند فضل زیارات الحسین، زیارت نامه حضرت حسین [ع] از طرف مؤلفان شیعی^(۱)، سنت ترجمه و گلبانگ‌نگاری^(۲) نیز شکل گرفته است. آداب و اصول زیارت نیز با آثاری مانند کامل الزیارات، گسترش یافته است. کربلا از لحاظ فرهنگ عامه (فولکلور) غنی گردیده و در ادبیات بعنوان نام مکانی که غالباً ذکر آن می‌رفته، اشاره شده است. علاوه بر این کربلا، در دنیای اسلام که فرهنگ‌های عربی، فارسی و ترکی در آنها حاکم بوده‌اند، منبع الهام بخشی برای شاعران و نویسندگان منسوب با مذاهب سنی، شیعی، جعفریه، و زیدیه یا گروه‌های علویه، قزلباشی و بکتاشی گشته است^(۳). پس از واقعه کربلا، زندگی حضرت حسین [ع] شکل "داستانی" به خود گرفته است. خصوصاً در پی توصیف مبالغه آمیز داستان شهادت حضرت حسین [ع] از طرف مؤلفان شیعی، [این آثار] قرن‌ها از طرف مردم مورد نقل و مطالعه قرار گرفته است در واقع باعث بوجود آمدن باورهایی جدید و انتشار آنها گردیده است. این تحولات به طور فزاینده‌ای باعث برانگیختن احساسات کنجکاوانه در حکمت و اسرار واقعه شده که این موضوع در شکل‌گیری تعبیری باطنی نسبت به قضیه نقش مهمی داشته است. به طوریکه در این رابطه احادیثی هم ساخته شده است. در این رابطه سعی در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب و آیه ۲۳ سوره شوری بعنوان تفاسیری از اهل بیت [ع] شده است. بدین ترتیب نام کربلا، به صورت یک مکتب تفکر (آیین دینی) در آمده است که هر گونه نگارش و سوگواری مرتبط با شهادت حضرت حسین [ع]، شامل اجر و پاداشی الهی تلقی گردیده است.

آیین‌های سوگواری عاشورا که از ابتدای ماه محرم آغاز و با روز عاشورا "یوم القتل، یوم العاشورا" به اوج خود می‌رسد. این مراسم اصولاً در محافل شیعی و جعفری با عناوین "تعزیه [خوانی]، شبیه [خوانی]" برگزار می‌شود^(۴).

۱. بر خواننده گرامی پوشیده نماند که عبارات مندرج در میان سطور این نوشتار، به قلم یک نویسنده سنی و فرازهای این نوشتار از منظر اوست و ما صرفاً به جهت حفظ رعایت امانت و اصالت متن، جهت آگاهی هموطنان خود از دیدگاه‌های اهل سنت، بدون هیچ تغییری، به فارسی ترجمه نموده‌ایم. این در حالی است که می‌دانیم، برای نمونه، متن زیارات و ادعیه، به صورت توقیفیه، نوعاً از سوی معصومان (ع) به طریق راویان مورد اعتماد، به ما رسیده است و نهایتاً مؤلفان شیعی، آن روایات را از حالت پراکندگی درآورده و با حفظ سند و سلسله راویان، در قالب کتبی منظم و منضبط، گردآوری نموده‌اند (مترجم).
 ۲. بعید نیست مراد نویسنده، سنت «چاووش خوانی» بوده باشد که عموماً در استقبال و بدرقه زائران عتبات عالیات، در میان ایرانیان، به صورت سنتی کهن، همواره جاری بوده است (ویراستار).

۳. رک حسین مجیب المصری، کربلا بین شعراء الشعوب الاسلامیة.

4. And, *Ritielden Drama*, s.34-36.



موضوع (کربلا) در دوره‌ی صفویه به عنوان یک تشریفات رسمی دولت اهمیت قابل توجهی یافته است. پس از گذشت مدت مدیدی از این قضایا، با مسلمان شدن اقوام ترک، اشعار خاصی در زمینه‌ی مرثیه و مقتل، سروده شده است و این وسعتی از مناطق مسلمان اندونزی و جامائیکا را نیز در بر می‌گرفت. به دینوسیله کربلا در ادبیات ترک، نیز به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد توجه قرار گرفته است. و علاوه بر مرثیه‌ها، بعه نوان موضوعات استعاره و تشبیه نیز از آن استفاده شده است.

عموماً در رابطه با واقعه‌ی کربلا در ادبیات ترک، دینی - تصوفی، خصوصاً در ادبیات طریقت‌هایی چون علویه - بکتاشیه، مرثیه‌ها، آثار مستقل مثنوی و منظومی تألیف شده است. به علاوه هنرمندان، عشاق و در رأس همه‌ی آنها شاعران برای نشان دادن احساسات و تخیلات خود با توسل به این واقعه، نام کربلا را به یک استعاره‌ی مهم مبدل ساخته‌اند. در میان آثاری ادبی ترک، آثاری که در آنها به موضوع کربلا اشاره شده است، غالباً منظوم است، علاوه بر این، آثاری مرکب از منظوم - مثنوی یا مثنوی نیز به رشته‌ی تحریر درآمده است. از جمله آثار منظوم معروف می‌توان به مثنوی‌ها، قصیده‌ها، غزل‌ها، ترجیع‌بندها، ترکیب‌بندها، رباعی‌ها، تویوق‌ها و اشعار الهی^(۱) که با اوزان عروضی فاعلات، فاعلات، فاعل، نوشته شده، اشاره نمود.

به طور مشترک، اصطلاح کربلا در همه‌ی اشعار، چه اشعار دیوانی و چه اشعار مربوط به تکیه و اشعار عشاق، بعنوان نام محلی مقدس که در آن برخورد با حضرت حسین [ع] به طور غم انگیزی، توصیف گردیده است. نوع نگرش و پردازش حادثه‌ی کربلا در اشعار شاعران باعث تقویت تصور ذهنی مردم از این نام به عنوان مکانی با فضیلت شده است. که این خود بستری برای نقل روایات و آثار مختلف افسانه‌ای و مناقبی گشته است. در انتهای بیشتر اشعاری که شاعران موضوعات تاریخی کربلا را در قالب مرثیه و یا تعزیه مورد توجه قرار داده‌اند، یک بخش دعا [فاتحه] نیز وجود دارد. در این آثار از اصطلاح کربلا به عنوان منطقه‌ای محروم [با احساسی منفی] با عناوین "دشت"، "صحرا" یا "بیابان" اشاره شده، در عین حال از خاک کربلا به لحاظ در بر داشتن خون حضرت حسین [ع] و اهل بیتش، به عنوان تربتی که خود سرمایه‌ی برای چشمان است، یاد شده است.

در ادبیات [آئینی] و نگارش‌های ترکی، در میان آثاری که به طور معمول در مراسم ده روز اول ماه محرم مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌توان به داستان مقتل حسین، که مربوط است به شاذی

۱. الهی (ilâhi) نوعی موسیقی تصوفی است که غالباً در ایام و اعیاد مذهبی اجرا می‌شود که در اجرای آن اصولاً آلات موسیقی چون عود، دف، نی و یا قانون همنازی می‌کنند. اجرای این نوع موسیقی در جای جای کشور ترکیه خصوصاً در ایام ماه مبارک رمضان با شکوه تمام محسوس است.

قسطمونی^(۱) که در ماه ذیحجه سال ۷۳۶ (اکتبر ۱۳۶۲) با سبکی ساده و روان تألیف شده است، اشاره نمود. این اثر با دارا بودن ۳۰۳۴ بیت، در ادبیات ترک جایگاه خاصی دارد. اسماعیل حکمت ارتایلان^(۲) به یک کتاب شعری نموده که متعلق به شخصی بوده که حدوداً یک سال قبل از شاذی، خود را با نام مستعار یوسفی، معرفی نموده است، می‌باشد. این اثر که در قالب مقتل است دارای ۳۰۰۰ بیت می‌باشد که به بایزید از حکام جاندار اوغلی^(۳) تقدیم شده است. مؤلف در آن خود را با نام معرفی کرده است^(۴). کتاب مقتل حسین [ع] که از طرف یحیی بن، بخشی در شعبان سال ۹۰۵ (مارس ۱۵۰۰) نوشته شده است، شامل ۹۷۶ بیت می‌باشد. یک نسخه استنساخ شده از این اثر، در آنکارا موجود است^(۵). کتاب مربوط به لامعی با عنوان کتاب آل رسول [صلوات الله علیهم] که دارای ۹۸۹ بیت است در قالب مقتل است. کتاب مربوط به حاجی نورالدین افندی که در سال ۹۴۰ (۱۵۳۳-۱۵۳۴) به زبان ترکی روانی تألیف شده است، با وجود اینکه از نظر سبک نگارش، دارای انتظامی ضعیف است، اما به لحاظ غنایی که از نظر ادبی مربوط به قهرمانی [= حماسی] دارد، چنان مورد توجه عام بوده که دیوانش هفت بار در استانبول منتشر شده است (۱۲۵۸-۱۳۴۱ ق). در رابطه با نسخه‌های مربوط به اثر استادانه گالیبولی جامی رومی با نام سعادت نامه^(۶) و نیز اثر مقتل عاشق چلبی که ترجمه‌ای است بر کتاب روضه الشهداء، اثر حسین واعظ کاشفی، [برخی نسخ خطی] ملاحظه گردد^(۷).

در بین مقتل نگاری‌ها، اثر فضولی، تحت عنوان حدیقه السعداء برترین اثر است. این اثر به عنوان پایان نامه‌ی دکترای خانم شیما گونگور^(۸)، انتشار یافته است. این اثر که در ایام محرم، در محافل شیعی و سنی، با اشتیاق زیاد مورد مطالعه قرار می‌گرفته است، دارای [بیش از] ۲۲۵ نسخه در کتابخانه‌های جهان است و بارها انتشار یافته و بخش‌های منظوم آن نیز به صورت آهنگ و سرود در آمده است (رک. مدخل مقتل حسین [ع])^(۹).

علاوه بر اینها آثار دیگری نیز وجود دارند که در آنها نام کربلا ذکر شده است. این آثار اغلب با سبکی ساده و روان و به صورت داستان و حکایات به رشته‌ی تحریر در آمده‌اند. اطلاعات مربوط

1. Kastamonulu Şâzî.
2. İsmail Hikmet Ertaylan.
3. Candaroğlu.
4. Yusuff-i Meddah, TDED, I/4, s.117-121.
5. DTCE, Ktp., Muzaffer Ozak, Nr. I, 248.
6. Gelibolulu Câmi-i Rûmî, TCYK, s.455-558.
7. Beyazıt Ktp., Nr. 5329.
8. Şeyma Güngör Ankara 1987.
9. Maktel-i Hüseyin.



به بعضی از این آثار بدین شرح است:

- واقعه کربلا، ادھم افندی (چاپ استانبول ۱۲۹۱ق).
- کربلا نامه، شافی، (نسخه خطی کتابخانه بنیاد زبان ترکی به شماره ۸۴).
- واقعه کربلا، خالص افندی (نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، شماره ۲۴۴۵).
- کربلا، ابن الرّشاد علی فروخ (چاپ پاریس ۱۳۰۵ق).
- واقعه دلسوز کربلای حضرت حسین رضی الله عنه^(۱)، حلمی زاده ابراهیم رفعت (چاپ استانبول ۱۳۲۶ق).
- کربلا، محمد ناظم (چاپ استانبول ۱۳۲۶ق).
- بازتاب کربلا^(۲)، میر محمد کریم میر جعفر زاده (چاپ باکو ۱۳۲۹ق).
- کربلا: نفاق در تاریخ اسلام، کمال الدین شُکری (چاپ استانبول ۱۳۲۸ق).
- انتقام کربلا^(۳)، ضیاء شاکر (چاپ استانبول ۱۹۴۲).
- شهدای کربلا^(۴)، رمزی قوروق (چاپ استانبول ۱۹۶۷).
- آه کربلا!^(۵) کمال پیلاو اوغلو (چاپ آنکارا ۱۹۶۷).
- کربلای خونین^(۶)، نجمی اونور (چاپ استانبول ۱۹۶۸).
- کربلا، مراد سرت اوغلو (چاپ استانبول ۱۹۷۰).
- فاجعه کربلا^(۷)، س. منیر یورداتاپ (چاپ استانبول ۱۹۷۰).

علاوه بر این آثار، در کتابخانه‌های مختلف، آثار بسیاری با عناوین واقعه کربلا و مشابه آن وجود دارند که مؤلفانشان ناشناخته است. این منابع غنی که با محوریت کربلا شکل گرفته‌اند و در فرهنگ عامه (فولکلور) و موسیقی نیز، نفوذ قابل توجهی داشته‌اند. به طوریکه در موسیقی مذهبی ترک، در ماهی که این حادثه به وقوع پیوسته (ماه محرم)، خصوصاً در آیین‌هایی که در تکیه‌ها برگزار می‌گردد، سروده‌های تصوفی^(۸) محرم نیز ترنم شده است.

1. Hz. Hüseyin Radıyallahu anı Vak'a-i Dilsüz-ı Kerbelâ.
2. Kerbelâ Yankısı.
3. Kerbelâ İntikamı.
4. kerbelâ Şehitleri.
5. Âh Kerbelâ!
6. Kanlı Kerbelâ.
7. Kerbelâ Fâciası.
8. İlahi.

حسين مجيب المصرى، كربلا بين شعراء الشعوب الاسلامية، قاهره، ١٤٢١ق./٢٠٠٠م.

Fuzûlî. *Hadikatü's-süeda* (nşr. Şeyma Güngör), Ankara 1987, s. XX-XXII; Agah Sırrı Levend, *Divan Edebiyatı*, İstanbul ١٩٨٤, s. 132-133; Cemal Kurnaz. *Hayâlî Bey Divân'ının Tahlili*, İstanbul 1996, s. 151, 367; Amil Çelebioğlu, *Türk Edebiyatında Mesnevi*, İstanbul 1999, s. 56-58; Hüseyin Mücib el-Mısri, *Kerbela' beyne şu'ara'î'ş-şu'ubi'l-İslamiyye*, Kahire 1421 /2000; Elnure Azizova, *Kerbela Vak'ası* (yüksek lisans tezi. 2001); MÜ Sosyal Bilimler Enstitüsü, s. 41 -94 ; Metin And. *Ritüelden Drama: Kerbela-Muharrem-Ta'ziye*, İstanbul 2002, s. 28-53; a .mlf., "Sanat ve Kerbelâ: Muharrem ya da Taziye Gösterileri Pekçok Minyatüre Konu Olmuştur", *Milliyet Sanat Dergisi*, sy. 289, İstanbul 1978, s. 1 0-12; a.mlf., "Eski Edebiyatımızda Yarı Dramatik Bir Tür: Maktel ve Minyatürlü Maktel Yazmaları", *Türkiyemiz*, sy. 61, İstanbul 1990, s. 4-15; 1.; Melikoff. "Le drame de Kerbela dans le litterature epique turque". *RE*, XXXIV (1966), s. 133-148; Bedri Noyan, "Bektaşî ve Alevilerde Muharrem Ayini, Aşüre ve Matem Erkani", *HK*, 1 (1984). s. 89; Günay Kut. "Aşık Çelebi", *DİA*, III, 549; İlyas Üzüm, "Hüseyin", *a.e.*, XVIII, 521-524.